

Serial No.

197

D-DTN-K-QFB

PERSIAN
Paper—II
(Literature)

Time Allowed : Three Hours

Maximum Marks : 300

INSTRUCTIONS

Candidates should attempt questions 1 and 5 which are compulsory, and any THREE of the remaining questions, selecting at least ONE question from each Section.

All questions carry equal marks.

Questions 1 and 5 must be answered in Persian and the remaining questions must be answered either in Persian or in the medium of examination specified in the Admission Certificate issued to you.

SECTION—A

1. Explain any **THREE** of the following passages with reference to the context in Persian : $3 \times 20 = 60$

(الف)

پس از آن که لشکر هابه هرات رسیدند، امیر نوح بن محتاج
الکشافی را که حاجب الباب بود، با اچکین فرستاد با نامه ای
چون آب و آتش، مضمون او همه وعید و مقرون او همه تهدید.

صلح را مجال نگذاشته و آشتی را سهیل رها ناکرده، چنان که در چنین واقعه ای و چنین داهیه ای خداوند ضجر قاضی به بندگان عاصی نویسد، همه نامه پر از آن که پیام و بگیریم و بکشیم چون حاجب ابوالحسن علی محتاج الکشانی نامه عرصه کرد و پیغام بگفت و هیچ باز نگرفت، اچنگین آزرده بود، آزرده تر شد، بر آشفت و گفت: من بنده پدر ادیم، اما در آن وقت که خواجه من از دار فنا به دار بقا تحویل کرد، او را به من سپردنہ مراد بود و اگر چه از روی ظاهر مراد در فرمان او همی باید بود، اما چون قضیت را تحقیق کنی، نتیجه برخلاف این آید که من در مراحل ششم و او در منازل شباب -

(ب)

بدان ای پسر که آفریدگار چون خواست که جهان آباد ماند، اسباب نسل پدید کرد در شهوت جانور و پدر و مادر را سبب کون فرزند کرد، پس همی دون از موجب خرد بر فرزند واجب بود پدر و مادر را بر من چه حق است که ایشان را غرض شهوت بود مقصودنہ من بودم، هر چند مقصود شهوت بود، مضاعف شهوت شفقنی استاده است که از بهر تو خود را بکشتن سپارند و کمتر حرمت پدر و مادر آنست که هر دو واسطه اند میان تو و آفریدگار

تو، پس چندان که آفریدگار خود را و خود را حرمت داری واسطه
 را نیز در خور او نباید داشت و آن فرزند که مادام خرد رهنمون
 او بود، از حق و مهر مادر و پدر خالی نباشد و خدائی تعالی همی گوید
 در محکم تنزیل خود: اولوالامر پدر مادرند که به حقیقت امر به
 تازی دوست، یا کارست یا فرمان و اولوالامر آن بود که او را
 هم فرمان بود و هم نتوان و پدر و مادر را توانست پروردن تو و
 فرمانست بخوبی آموختن -

(ج)

ای فرزند! بر تو باد اگر اول بیندیشی و در اوصاف و
 اخلاق شخص نظر اندازی در حسب و نسب او شرط احتیاط به جا
 آری، آن گاه شخص را برکشی و بزرگ گردانی و چون بزرگ
 گردانیدی به هر هان و هانی و به هر خطائی بر زمین نیندازی و
 هر کرا عقوبت فرمائی جایی آشتی نگاه داری و مردم مخلص و
 هواخواه گشته را به ایذا و جفای بی معنی دشمن و بدخواه نگردانی و
 در پی آب کردن اشراف و احرار سکی را کار نفرمائی که هر گاه
 که اشراف و احرار آب شوند، جراحات ایشان اندمال نپذیرد
 و بی عزت داشت احرار و اشراف، خواری دولت تو بار آورد و
 ساعیان و غمازان را بر صدر دولت خود جای ندھی و پیش خود

آمدن نگذاری که از مدخل ساعیان و تقرب غمنازان مخلصان
دولت و مطعیان مملکت در هر اس شونند امان پادشاه که سر جمله
معاملات ملک داری است، از دلها برود و در هر همی که عزمی
کنی، بر آمد آن را نیکو بیندیشی -

(د)

بی غیرتها رجز می خوانند، آن وقت معلوم میشه رستم
صولت، و افتدی پیزی کیست، همه زدند زیر خنده نه این که
به گرفتن زبان کا کارستم خندید، چون می دانستند که اوز بانس می
گیرد ولی داش آکل در شهر مثل گا و پیشانی سفید سر شناس بود و
هیچ لوطی پیدانی شد که ضرب نستش را نچسیده باشد - هر شب
وقتی که توی خانه ملا اسحاق یهودی یک بطر عرق دو آتشه را سر
می کشید، دم محله سردزک می ایستاد، کا کارستم که سهل بود، اگر
جدش هم می آمد، لنگ می انداخت خود کا کارستم هم می دانست
که مرد میدان و حریف داش آکل نیست، چون دو بار از
دست اوز خم خورده بود و سه چهار بار هم روی سیند اش نشسته
بود، بخت برگشته چند شب پیش کا کارستم میدان را خالی دیده
بود و گرد و خاک می کرد - داش آکل مثل اجل معلقی سر رسیده و

یک مشت مثلک بارش کرده بود، به او گفته
بود: ”کاکا، مردت خانه نیست۔“

2. (a) Show your acquaintance with the substance of
Ain-e-Shabistane-Iqbal. 30
- (b) Bring out the social and literary importance of Gulistan
of Sa'di. 30
3. Critically evaluate the contribution of Sadiq Hedayat to short
story writing in Persian and compare his style and works
with those of Mohd. Hejazi. 60
4. Describe the life and works of Abul Fazl in detail. 60

SECTION—B

5. Explain any **THREE** of the following in Persian with
explanatory notes where necessary :— 3×20=60

(الف)

از بلبل خاموش دل باغ گرفتست
اورا چه کند محمل گل دیرتر آید
گل هم چه کند باد صبا خواست که عرفی
آید سوی کشمیر و گلش بر اثر آید
کوهفت از شاہد گل حجلہ تہی باش
تا بلبل شیر از درین باغ در آید

نشگفت گل اما به مثل بررگ شاختی
گر پای نهم خون گلم تا کمر آید
وقت که گل بر فگند پرده زرخسار
زانسان که ز فانوس چراغی بدر آید

(ب)

ای دل! شباب رفت و نچیدی گلی ز عیش
پیرانه سرکن هنری تنگ و نام را
در عیش نقد کوش که چون آنجو رنماند
آدم بهشت روضه دار السلام را
در بزم دور یک دو قدح در کش و برو
یعنی طمع مدار وصال دوام را
عناقشکاری نشود، دام باز چین
کاینجا همیشه باد به دست است دام را
من آن زمان طمع ببردیم ز عافیت
کاین دل نهاد در کف عشقم ز مام را

(ج)

سوز دزبس که تاب جمالش نقاب را
دانم که در میان نپسند و حجاب را

پیراہن از کتان و دام ز سادگی
نفرین کند بہ پردہ دری ماہتاب را
تا خودشی بہ ہمدی ما بسر برد
در چشم بخت غیر رھا کرد خواب را
نارفتہ دم ز وعدہ باز آمدن زند
تا در وصال یاد دھد اضطراب را
درد دل خزد بہ لالہ و از جان بدر کشد
دیرینہ شکوہ ستم بی حساب را
(د)

خدا ترس را بر رعیت گمار
کہ معمار ملک است پرہیزگار
بداندیش تست آن و خونخوار خلق
کہ نفع تو جوید در آزار خلق
ریاست بدست کسانی خطاست
کہ از دستشان دستہا بر خداست
نکوکار پرور نیند بدی
چو بد پروری خصم خون خودی
مکافات موذی بمالش مکن
کہ بخش بر آورد باید ز بن

6. (a) Describe the salient features of Urfi's qasides. 30
(b) "Bahar Mashhadi is a prominent representative of modern Persian poetry." Elaborate. 30
7. (a) Give a short account of the poem 'Qu' by Nimayushif. 30
(b) Bring out the contributions of Furugh-e-Farrukhzad to modern Persian poetry. 30
8. Describe the life and works of Nimayushif. 60